گفت‌وگو
دنیا حیدری

لزوم یک تکنیکال ریپورت بعد از هر لیگ در تمام دنیا مرسوم است، یعنی در پایان هر فصل، یک گزارش تکنیکی برای لیگ‌ها جهت بررسی اتفاقاتی که رخ داده است نوشته می‌شود. گزارشی که به گفته جلال چراغپور می‌تواند ابعاد لیگ را از جهات مختلف بررسی کند: «تهیه گزارش فنی و تکنیکی بعد از پایان هر لیگ بسیار مهم و ضروری است که همه دنیا به آن اهتمام می‌ورزند. به طور مثال یک به یک تیم‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند. از تفکر مربیان و برند فکری آنها گرفته تا خواسته‌هایی که در طول فصل داشتند. اینکه چه برنامه و تاکتیکی برای بازی ارائه دادند، از چه سیستم‌هایی برای رسیدن به گل استفاده کردند، چه نوآوری‌هایی داشتند و مهم‌تر از همه چه ستاره‌ها و بازیکنانی در آن لیگ تولید شده است. بعد از بازیکنان کلیدی تولید شده در یک لیگ، خلاقیت‌های مربیان حائز اهمیت است. اینکه در چه جهاتی خلاقیت داشتند. بعد آمار ارزش‌های میدانی بازیکنان است که بررسی آن بسیار مهم است. اینکه آیا کیفیت دویدن‌ها توانسته است از هوازی به بی‌هوازی انتقال پیدا کند؟ آیا همه این ۱۱ کیلومتری که دویده شده راه رفتن و ایستادن و دویدن آرام بوده یا دویدن سرعتی، پرش، جهش و استارت‌های انفجاری و با کیفیت بوده است؟ سپس یک نقطه سر لیگ، یک نقطه در میانه و یک نقط هم در پایان لیگ می‌گذارند. در آخر نیز با بررسی این مسائل و اینکه چرا و چطور رخ دادند، نقاط ضعف و قوت یک لیگ را درآورده و درصدد رفع آن برمی‌آیند تا لیگ پویایی داشته باشند.»

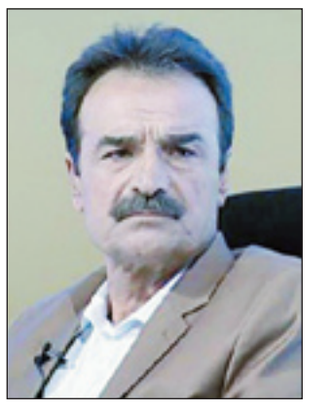

نگاهی به فراز و فرودهای لیگ هجدهم در گفت‌وگوی «جوان» با جلال چراغپور

لیگ ما بازیکن‌ساز نیست

تفکر مربیان ایرانی باید تغییر کند و به‌روز شود

لیگ هجدهم از نظر فنی چطور بود و آیا امسال لیگ پویایی داشتیم؟

وقتی قرار است لیگ را مورد بررسی قرار دهیم، باید آن را از ابعاد مختلف فنی، مدیریتی، اقتصادی و... نگاه کنیم. آن زمان است که بررسی ما بهتر و دقیق‌تر می‌شود اما در کل، لیگی پویا خواهد بود که بازیکن بسازد.

با این حساب لیگ چه بازیکنانی تولید نمی‌کند؟

لیگ ایران در بعضی پست‌ها به سختی بازیکن تولید می‌کند. بازیکنانی هم که تولید می‌شوند اگر در ایران بمانند و به خارج از کشور نروند سال‌های سال زمان می‌برد تا نظیر آنها را شاهد باشیم؛ چراکه ما اصولاً در تولید بازیکن در برخی پست‌ها مشکل داریم. یکی از این پست‌ها سانتر فوروارد است. سانترفوروارد در لیگ ما هر چند سال یک‌بار تولید می‌شود. مثلاً علی دایی ۱۱ سال برای تیم ملی سانتر فوروارد بازی می‌کرد و در این سال‌ها بازیکنانی چون عنایتی، اکبرپور، ادموند بزیک، فراز فاطمی و... به تیم ملی راه پیدا نکردند. چون نوک به وسیله یک نفر که خب البته بهترین هم بود اشغال شده بود و چاره دیگری هم نبود. بعد از دایی اما دیگر بازیکنی با آن استایل نتوانست به عنوان سانتر فوروارد بازی کند.

به همین دلیل هم است که آقای گل لیگ دو بازیکن خارجی می‌شود و علیپور که دو دوره آقای گل بوده تنها ۱۴ گل زده دارد و نفر سوم جدول گلزنان باز هم یک بازیکن خارجی است؟

گاهی بقیه نفرات تیم گل می‌زنند. مثلاً در همین پرسپولیس که علیپور ۱۴ گل زده، ۳۶ گل در طول فصل به ثمر رسیده است. پس باید از یک زاویه دیگر به این مسئله نگاه کرد. اول باید ببینیم که آرایش، چیدمان، فورمیشن و فورماسیون تیم‌ها بر چه اساسی بسته شده است؟ آیا چیدمان آنها براساس گل زدن چیده شده است یا گل نخوردن؟ این یک تفکر است. برخی تیم‌ها بنا به شرایط مالی و بازیکنانی که دارند، براساس حمله و با هدف بردن سازماندهی می‌شوند و خریدهایشان هم در جهت گل زدن است. اینها تیم‌هایی هستند که تماشاگر و طرفدار دارند. برای ورزشگاه بتونی که جلو بازی کردن یا عقب بازی کردن مهم نیست اما برای تیم‌هایی که طرفدار دارند، گلزنی خیلی مهم است. با دفاع که نمی‌توان روی سکوها هیجان ایجاد کرد و خواسته‌های تماشاگران را برآورده ساخت. ۶۰، ۷۰ هزار تماشاگری که به ورزشگاه می‌آیند می‌خواهند یک بازی هجومی و گلزنی ببینند. پس آرایش تیم‌هایی که هوادار دارند به شکل متفاوت از سایر تیم‌ها خواهد بود.

پس در این تیم‌ها که پرسپولیس، استقلال، تراکتور، سپاهان، فولاد و... از جمله آنها هستند باید بیشتر شاهد گلزنی باشیم اما وقتی یکی مثل علیپور در ۳۰ بازی تنها ۱۴ گل به ثمر می‌رساند، یعنی در عمل اتفاقات دیگری دارد رخ می‌دهد.

گفتیم در تیم‌هایی که طرفدار دارند چیدمان هم فرق می‌کند. در این تیم‌ها به دلیل فشار و انگیزه‌ای که هواداران می‌دهند، گل‌ها هم تقسیم می‌شوند. برای نمونه در تیمی مثل پرسپولیس نورالهی از یک طرف، علیپور از طرف دیگر، ترابی از سمتی و منشا (زمانی که بود) از سمتی دیگر برای گلزنی تلاش می‌کنند. وقت زدن کرنر یا ضربه آزاد می‌بینیم که حتی سیدجلال حسینی و شجاع هم برای سر زدن جلو می‌کشند. به همین دلیل در این تیم‌ها گل‌ها تقسیم می‌شود و بار گلزنی تنها روی دوش یک نفر نیست. ضمن اینکه ما برای اینکه میزان مهارت یک بازیکن را برای گلزنی و آقای گلی بسنجیم، اول باید ببینیم در تیم ملی کشورش به عنوان بهترین گلزن مطرح است یا نه. علیپور یک بار به تیم ملی دعوت شد که بعد از چند روز خط خورد تا یکی از لازمه‌های این موفقیت و عنوان را از دست بدهد.

اما در تیم سپاهان عمده گل‌ها را کی روش استنلی به ثمر می‌رساند. مهاجمی که آقای گلی را هم از آن خود می‌کند.

این دقیقاً یک نمونه بارز و واضح از عدم تولید سانتر فوروارد در ایران است. کی روش استنلی یک مهاجم شش دانگ است. این بازیکن اما در ایران تولید نشده و به همین دلیل است که مثلاً تیمی مثل سپاهان از تیمی که عنوان قهرمانی را کسب کرده بیشتر گل می‌زند. حالا فکر کنید کی‌روش استنلی را از نوک سپاهان، شیمبا را از نوک فولاد یا آن سال منشا را از پیکان برمی‌داشتیم. چه می‌شد؟ این همان ضعفی است که لیگ به دلیل تولید نکردن سانتر فوروارد دارد. نه اینکه ما فوروارد نداشته باشیم. مثلاً علیپور یک فوروارد خیلی خوب است. شما نگاه به گل‌های زده آن نکنید. او یک گیمر خوب و در خدمت تیم است. باید ببینید مربی از او چه می‌خواهد. همیشه بین دو دفاع هست، دوندگی خوبی دارد، استارت‌ها را خوب می‌زند، اعتراض نمی‌کند و تلاش خوبی می‌کند اما یک تمام کننده نیست.

اما وظیفه یک مهاجم گلزنی است. این نشان دهنده ضعف خط حمله لیگ یا مهاجمان آن نیست؟

ولی خوب بودن یک مهاجم تنها به تعداد گل‌های او نیست. تک مهاجم بودن خیلی سخت است. شما وقتی دو مهاجم بازی می‌کنید، ۵۰ درصد از توپ‌ها و موقعیت‌های خودتان را بازی می‌کنید و ۵۰ درصد موقعیت‌هایی که دیگر مهاجم تیم برای شما می‌سازد. برای همین وقتی در تیمی مثل پرسپولیس وقتی منشا یا طارمی هست، علیپور بهتر کار می‌کند اما علیپور یک گیمر است و شما وقتی می‌خواهید یک مهاجم را آنالیز و عملکرد او را بررسی کنید سه مرتبه باید عینک به چشم بزنید. چون بعضی‌ها گیمر هستند مثل علیپور یا اینیستا که وقتی بازی می‌کرد می‌گفتند گیمش ۹۰ است و یا مودریچ. یکی هم پلی‌اش ۹۰ است مثل مسی که چهار نفر را دریبل می‌زند اما یکی هم مثل سوارز فینیشینگش ۹۰ است و کم پیش می‌آید مهاجمی مثل سوارز تمام‌کننده ۹۰ باشد اما در عوض گیم و پلی خوبی ندارد. نمی‌تواند کسی را دریبل بزند و وقتی می‌خواهد ترکیب درست کند زمین می‌خورد، تمارض می‌کند. پس اینطور نیست که با نگاه کردن به رقم گل‌های یک مهاجم بتوان گفت او مهاجم خوب یا بدی است. یکی مثل علیپور مهاجم سایه خوبی است. مثلاً اگر پشت کی‌روش استنلی بازی کند خیلی خوب کار خواهد کرد.

دیگر ضعف شاخص لیگ در خصوص عدم تولید بازیکن در پست‌های حساس چه بود که این فصل هم به چشم آمد؟

لیگ ما یک بازیکن دیگر هم تولید نمی‌کند و آن هافبک دفاعی است که به ندرت تولید می‌شود، یعنی آنجایی که برای مثال کی‌روش می‌رفت سراغ عزت‌الهی حتی اگر در لیگ باشگاهی بازی نکرده بود. چون مشابه او را در این پست نداشت و به آن نیاز داشت. لیگ ما سال‌هاست در این پست بازیکن تولید نمی‌کند. به همین دلیل وقتی امید ابراهیمی از استقلال رفت هیچ کس دیگری نتوانست آنجا را جمع کند. علی ابراهیمی آمد اما هیچ وقت نتوانست کار امید ابراهیمی را انجام دهد. به همین دلیل وقتی قلعه‌نویی در تبریز با کیانی کار می‌کند، او را به عنوان یک ابزار با خود می‌برد. چون نظیر این بازیکن در لیگ ایران بسیار کم تولید می‌شود و مطمئن باشید ویلموتس یا هر مربی دیگری که سکان هدایت تیم ملی را در آینده به دست بگیرد در این خصوص با مشکل مواجه می‌شود. سومین پستی که در آن به سختی بازیکن تولید می‌کنیم و الان هم جایش در تیم ملی خالی است، دو دفاع مرکز است، یعنی همانجایی که پورعلی گنجی بازی می‌کند یا سید جلال، پژمان منتظری، کنعانی‌زادگان، خان‌زاده یا مجید حسینی. امروز اگر شما سرمربی تیم ملی باشید و بخواهید خط دفاعی تیم را بچینید، قاعدتاً باید سراغ تیم اول کشور بروید که خودش در این پست مشکل دارد. سیدجلال را دارد که خداحافظی کرده و سال‌های آخرش را سپری می‌کند و شجاع اگرچه جهش و پرش خوبی دارد و جنگنده است اما تمرکزش را به سرعت از دست می‌دهد و تعداد خطاهایش برای خط دفاعی زیاد است؛ چراکه در این منطقه هر خطا می‌تواند یک ضربه ایستگاهی خطرناک، یک اخطار یا پنالتی باشد. ضمن اینکه شجاع با داور اصطکاک زیادی دارد.

یعنی ماجرا به همین جا ختم می‌شود؟

متأسفانه خیر. یکی دیگر از مشکلات ما که در لیگ هم به وضوح می‌توان دید این است که لیگ ما هافبک دفاعی هم تولید نمی‌کند، یعنی دو دفاع وسط، عقب یا هافبک دفاعی وسط، یعنی یک طراح، یعنی اینیستا، یعنی مودریچ، یعنی راکیتیچ، یعنی طراح میانه. مثلاً بشار یک طراح کوچک است یا طارق همامی که استقلال رد کرد یک طراح ریز بود که البته ضعیف است یا کمال کامیابی نیا و سروش رفیعی که البته توانایی لازم را در این پست آنطور که باید ندارند. نه اینکه بازیکنان بدی باشند نه اما آن طراحی که باید باشند نیستند. به همین دلیل کی‌روش رفت دژاگه را آورد و شجاعی را کنار نگذاشت. البته سامان قدوس هم یک طراح ریز است اما تولید لیگ ما نیست. خود امیر قلعه‌نویی خوب طراحی می‌کرد و منصوریان یک طراح کوچک خوب بود. یا جباری زمانی که سرحال بود خوب این کار را انجام می‌داد یا جباروف اما وقتی همه آنها رفتند استقلال خالی شد. این همان پست حساسی است که تیم ملی ندارد. یک طراح میانه که تیم‌های بزرگ دنیا آن را دارند، یعنی می‌گردند دنبال یک بازیکن طراح کوچک با فیزیک ریز با فوتبال کوچک که ما دقیقاً همین جا را آدم‌های بزرگ می‌گذاریم. مثلاً سعید عزت‌الهی را می‌گذاریم. یکی مثل باقری، نکونام، آندو یا فنونی‌زاده. برخلاف دنیا که اینجا یک طراح ریز می‌خواهد ما چشممان دانه درشت‌ها را می‌گیرد. لیگ ما طراح ندارد. هافبک دفاعی جلو که طراحی می‌کند.

این ضعف در تیم ملی هم دیده می‌شد؟

بله. خود کی‌روش هم بعد از هشت سال نتوانست جفت خوبی برای پورعلی گنجی در این پست پیدا کند. از هشت نفر برای چهار پست دفاع استفاده کرد. مدل‌های مختلف را انتخاب کرد. پورعلی گنجی را با کنعانی‌زادگان گذاشت، کنعانی‌زادگان را با پژمان منتظری، پژمان را با رامین رضاییان. رامین را با وریا غفوری، آن طرف میلاد طرف دیگر حاج صفی و همینطور مدام چرخید اما کلافه شد و همانطور که دیدیم جواب نگرفت و به راحتی ژاپنی‌ها از دفاع ما رد شدند و گل زدند و پنالتی گرفتند. مجید حسینی توپ داد زدند توی گل. توپ آمد نگرفتند، ندیدند پنالتی شد. چرا؟ چون وقتی می‌رویم جایی که حساب شده‌تر و دقیق‌تر از ما بازیکن تولید می‌کند تازه متوجه می‌شویم که ما در پست‌هایی بازیکن خوب تولید نمی‌کنیم و چه ضربه‌هایی از این مسئله می‌خوریم!

در لیگ اما کمتر شاهد چنین مشکلاتی هستیم.

بله. چون تیم‌های باشگاهی مشکلات و کمبودهای خود را می‌خرند. لیگ که بازیکن تولید نمی‌کند. ضربه آن را باشگاه‌ها نمی‌خورند. ضربه آن به تیم ملی می‌خورد. چون باشگاه‌ها نیازهایشان را از بازار می‌خرند. مثلاً استقلال به مجرد اینکه دید یک هافبک چپ دونده نیاز دارد یا یک هافبک وسط جنگنده رفت سراغ پاتوسی و موارد دیگر را بررسی کرد و مشکلاتش را با یکی دو خرید در وسط زمین حل کرد اما در تیم ملی نمی‌توان با خرید کردن از بازار مشکلات را حل کرد. مشکلات تیم ملی را لیگ باید حل کند اما تا الان گفتیم سانترفوروارد تولید نمی‌کنیم. اگر طارمی، انصاری‌فرد و سردار آزمون که بعید است بار دیگر بازگردد نباشند سرمربی جدید تیم ملی برای آن نوک باید چه کند؟ برای طراح کوچک، دفاع وسط و هافبک دفاعی باید چه کند؟ همه اینها نقطه ضعف‌هایی است که لیگ باید آن را بپوشاند؛ چراکه چکیده لیگ باید محتوای تیم ملی را تعریف کند. آنجا که ملیت‌ها مقابل همدیگر قرار می‌گیرند. آنجا که ناسیونالیته‌ها برابر هم قرار می‌گیرند. تیم ملی ایران، تیم ملی کره، تیم ملی ژاپن با هم مسابقه می‌دهند و تیم‌های ملی با تعاریف خاصی که دارند با عصاره لیگ‌های خود، با رابطه مستقیمی که از وضع اجتماعی و اقتصادی خود دارند مقابل هم می‌ایستند. اگر تیمی به خوبی از لیگ داخلی تغذیه شده باشد می‌تواند حرفی برای گفتن داشته باشد.

یعنی انتخاب نادرست باعث می‌شود برخی تیم‌ها از گردونه رقابت‌ها جا بمانند؟

بله. شما اگر سولاری را گذاشتید بالای سر رئال نمی‌توانید دیگر انتظار نتیجه داشته باشید. فرقی نمی‌کند ایران باشد، اسپانیا یا انگلیس. چلسی شروع می‌کند به گرفتن بازیکنان ستاره اما هدایت تیم را به دست کسی می‌دهد که وزن مناسبی برای ایجاد تعادل بین تیم و نیمکت ندارد. پس زمین می‌خورد. گوآردیولا اگر بازیکن بزرگ می‌خرد یا کلاپ اگر ستاره‌ها را دور خود جمع می‌کند حرف تازه می‌آورد. مطلب نو ارائه می‌دهد و مجموعه او وقتی می‌بینند که دارند خوب تغذیه می‌شوند خوب هم کار می‌کنند و نتیجه هم می‌گیرند اما وقتی مورینیو با تفکرات پنج سال قبل می‌نشیند روی نیمکت منچستر، پوگبا به نحوه تمرین او سرتکان می‌دهد و سیاه‌های تیم را یکصدا می‌کند برای زمین زدن سرمربی. الان در سپاهان و پرسپولیس شاهد همخوانی و توازن بین نیمکت و تیم هستیم اما در استقلال وزن سرمربی با تیم همخوانی ندارد. نگاه نکنید به سه بازی اخیر. فصل بعد با اولین باخت اوضاع کاملاً تغییر می‌کند و جمع کردن این تیم مصیبت می‌شود. چرا؟ چون یکی از اشکالات تیم این است که ما توجهی به ایجاد توازن بین نیمکت و تیم نمی‌کنیم.

این عدم تولید بازیکن در برخی پست‌های حساس چه اندازه به مقاومت مربیان لیگ در به روز بودن برمی‌گردد؟

چرخه دانش در فوتبال ما تعریف نشده است و کسی به دنبال نوآوری نیست. شاید آن را ریسک می‌دانند. اینکه شفر در شش ماه تغییرات چشمگیر ایجاد می‌کند به دلیل داشتن اندیشه نو است اما ما مربیانی داریم که ۲۰ سال است از این تیم به آن تیم می‌روند و نهایتاً در رده هفتم و هشتم هستند و گاهی هم گله می‌کنند که اگر داور بی‌عدالتی نمی‌کرد یک پله صعود می‌کرد. تفکر مربیان ما باید تغییر کند آنها باید علم جدید یاد بگیرند آن هم از طریق مطالعه و توسط خودشان نه کمیته آموزش. تیم‌های باشگاهی در اروپا روی نقشه فوتبال بازی می‌کنند، بنابراین دارای نظم و نظام خاصی هستند ولی در داخل ایران این فوتبالیست‌ها هستند که PLAY یعنی بازی می‌کنند. فوتبال باشگاهی ایران روی خلاقیت فوتبالیست‌هایش جلو می‌رود و بحث نفر مطرح می‌شود نه تیم! حال اینکه در اروپا تیم‌ها GAME را اجرا می‌نمایند، یعنی در قالب تیم در یک مسابقه شرکت می‌کنند. چون با دانش روز پیش می‌روند اما به روز بودن سخت است. باید مطالعه کنید، مقاله ترجمه کنید و کار مربیان دنیا را دنبال کنید. باید کسی باشد تا برنامه‌ها و دانش آنها را به شما انتقال دهد. این است که ترجیح می‌دهیم با همان داشته‌های قدیمی پیش برویم. این می‌شود که خلاقیت نداریم. نمی‌توانیم بازیکنان مورد نیازمان را تولید کنیم و کار به جایی می‌رسد که دیگر از تیم‌های آسیای میانه هم می‌خوریم! آن هم با وجود سه قهرمانی!

در سال‌های اخیر فوتبال ایران به رسم عرب‌های حاشیه خلیج همیشه فارس علاقه زیادی به ایجاد تغییرات روی نیمکت تیم‌ها از خود نشان داده است. این مسئله را چطور ارزیابی می‌کنید؟

یکی از نواقص لیگ ما تغییر زیاد مربیان است. اگر آمار چرخش تیم‌ها در رتبه‌های جدول را با چرخش مربیان در لیگ کنار هم بگذاریم نتیجه کاملی از سطح مسابقات خواهیم گرفت. اما شما وقتی در یک مجموعه به مشکل برمی‌خورید نیاز به یک سیبل دارید برای گرفتن ترکش‌ها و مدیریت در چنین مواقعی بهترین گزینه‌اش برای رهایی از آسیب‌های احتمالی برکناری سرمربی است. حالا می‌خواهد شفر باشد یا بزرگ‌ترین مربی دنیا. مهم این است که ضربه به مدیریت نخورد. چیزی که در کشورهای حاشیه خلیج فارس سال‌هاست شاهد آن هستیم. اینکه سوءمدیریت آقایان به راحتی با برکناری مربیان حتی اگر بزرگ‌ترین مربیان دنیا هم باشند پنهان می‌شود تا آب‌ها از آسیاب بیفتد و هسته مرکزی با مشکل مواجه نشود.

حمیدرضا نیک‌عهد | جوان

> **لیگ ایران در بعضی پست‌ها به سختی بازیکن تولید می‌کند. بازیکنانی هم که تولید می‌شوند اگر در ایران بمانند و به خارج از کشور نروند سال‌های سال زمان می‌برد تا نظیر آنها را شاهد باشیم، چراکه ما اصولا در تولید بازیکن در برخی پست‌ها مشکل داریم. یکی از این پست‌ها سانترفوروارد است. سانترفوروارد در لیگ ما هر چند سال یک‌بار تولید می‌شود**

م.الف: ۲۸

مزایده شماره ۹۸/۰۱ – فروش املاک مازاد اداره امور شعب بانک ملی استان اردبیل

نوبت اول

از طریق سامانه تدارات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir

متقاضیان خرید برای دریافت اطلاعات بیشتر از ساعت ۸:۰۰ صبح مورخ ۱۳۹۸/۳/۱ تا ساعت ۱۹:۰۰ مورخ ۱۳۹۸/۳/۱۱ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره مزایده ۲۰۹۸۰۰۱۳۸۷۰۰۰۰۰۱ و از تاریخ ۱۳۹۸/۳/۱ به پایگاه اینترنتی بانک ملی ایران به نشانی www.bmi.ir بخش اخبار – اطلاعیه‌ها – مناقصه و مزایده – مزایده اداره امور شعب استان اردبیل مراجعه نمایند.

شناسه آگهی: ۴۷۲۲۰۳

بانک ملی ایران – اداره امور شعب استان اردبیل

آگهی مناقصه

نوبت دوم

شرکت توسعه منابع انرژی توان

گروه صنعتی شهید درخشان در نظر دارد پیمانسپاری تولید انواع رول سرب در شعبات رول سربی صنعت های شهید طهماسب نژاد و شهید میرزایی گروه خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید

شرایط متقاضی: داشتن شخصیت حقوقی و کد اقتصادی – داشتن تجارب و حسن سابقه – داشتن توان مالی در ارائه ضمانت نامه های لازم

مهلت و محل توزیع اسناد: واجدین شرایط می‌توانند جهت خرید اسناد با در دست داشتن فیش نقدی به مبلغ ۴۰۰,۰۰۰ ریال (واریز شده به حساب شماره ۰۰۱-۰۴۰۰۲۵۱۲-۰۴۳-۴۶۱۶ نزد بانک انصار شعبه شهید بخشنده کد ۴۶۱۶) ۱۰ روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم به آدرس: کیلومتر ۱۸ اتوبان تهران ساوه – خروجی صباشهر – گروه صنعتی شهید درخشان (باتری نور) – بازرگانی مراجعه نمایند.

(لازم به یادآوری است جهت تسهیل در واریز تضمین شرکت در مناقصه توسط دستگاه POS بانک مذکور نزد مدیریت محترم مالی این گروه، امکان واریز میسر می‌باشد) مدت زمان اعتبار قیمت پیشنهادی دو ماه پس از تحویل اسناد می‌باشد.

هزینه دو نوبت چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد. تلفن تماس: ۰۲۱-۵۶۵۷۴۹۰۰ فکس: ۰۲۱-۵۶۵۷۴۹۰۸

م.الف: ۵۵۹

مدیریت بازرگانی گروه صنعتی شهید درخشان

ویژه تهران

فرم اشتراک روزنامه جوان

۱. مبلغ اشتراک را براساس جدول راهنمای مندرج به حساب سیبا ۰۱۰۵۹۵۲۳۰۴۰۰۷ بانک ملی شعبه میدان فردوسی به نام شرکت پیام آوران نشر روز واریز نمائید.
۲. فرم پر شده اشتراک را به همراه اصل فیش بانکی به وسیله پست سفارشی به دفتر امور مشترکین روزنامه ارسال نمائید.
۳. ارسال نشریه پس از رسیدن فیش و فرم اشتراک از اول و شانزدهم هر ماه آغاز می‌شود.
۴. لطفا کپی رسید بانکی را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگه دارید.
۵. در صورت تغییر نشانی در اسرع وقت امور مشترکین را مطلع فرمائید.

نام: ____ نام و نام خانوادگی: ____ تلفن تماس: ____
نام شرکت یا موسسه: ____ کدپستی الزامی است: ____
نشانی: ____

هزینه اشتراک روزنامه (مبالغ به ریال) می‌باشد.

سه ماهه	۶ ماهه	نه ماهه	یکساله
۴۱۲/۵۰۰	۸۲۵/۰۰۰	۱/۲۳۷/۵۰۰	۱/۶۵۰/۰۰۰

توضیح: ایثارگران (خانواده معظم شهدا، جانبازان عزیز و آزادگان سرافراز) از تخفیف ویژه ۲۰٪ بهره‌مند می‌شوند.

آدرس: خیابان میرزای شیرازی، نرسیده به خیابان شهید مطهری، خیابان پانزدهم، پلاک ۴۴، طبقه دوم

تلفن: ۸۸۳۴۱۶۵۴ نمابر: ۸۸۳۴۱۶۵۰